

قتل مرد جوان در خانه همسر صیغه‌ای سابق

عکس: جام جم آنلاین



زنی که متهم است با هم دستی دو مرد شوهر صیغه‌ای سابقش را به قتل رسانده، در جلسه محاکمه‌اش جزییات قتل را توضیح داد.

زنی 25 مهر سال گذشته با ماموران اورژانس تهران تماس گرفت و گفت مرد جوانی به نام خشایار دچار گرفتگی قلب شده و نمی‌تواند نفس بکشد. زمانی که تکنیسین‌های اورژانس به محل رسیدند متوجه شدند دقایقی از مرگ خشایار می‌گذرد. آنها عملیات احیا را انجام دادند اما قلب خشایار به کار نیفتاد. بنابراین ماموران پلیس 110 را باخبر کردند و گزارش این مرگ را دادند. وقتی ماموران پلیس به محل رسیدند متوجه شدند آثار جراحات نیز روی بدن مقتول وجود دارد. آنها متوجه شدند خشایار در حین درگیری با سه نفری که در خانه بودند به قتل رسیده است بنابراین هر سه نفر را که شادی، سعید و احمد نام دارند بازداشت کردند. تحقیقات بعدی نشان داد خشایار شوهر صیغه‌ای سابق شادی بود که با او اختلاف پیدا کرده و روز حادثه با هم درگیر شدند در حین درگیری احمد و سعید نیز به کمک شادی رفتند و بعد از بستن دست‌وپای مرد جوان او را خفه کردند. پزشکی قانونی نیز این یافته‌ها را تایید کرد و در نظریه خود نوشت خشایار به علت خفگی و بسته‌شدن عناصر تنفسی‌اش فوت کرده است. با توجه به مدارک موجود پرونده کیفرخواست علیه هر سه متهم صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه 113 دادگاه کیفری استان تهران رفت.

حاجی نماینده دادستان تهران، روز گذشته در ابتدای جلسه رسیدگی به پرونده، کیفرخواست را خواند و برای سعید به اتهام مباشرت در قتل و احمد و شادی به اتهام معاونت در قتل درخواست صدور حکم قانونی کرد.

در ادامه پدر و مادر داریوش نیز درخواست صدور حکم قصاص کردند و سپس برادر مقتول که خودرواش حین درگیری توسط سعید تخریب شده بود نیز شکایت خود را ارایه کرد. در ادامه به دستور قاضی همتیار، سعید متهم ردیف اول در جایگاه حاضر شد. او اتهام قتل، شرب خمر و تخریب خودرو را قبول کرد اما گفت قتل را به عمد انجام نداده است.

متهم در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود گفت: روز حادثه من و احمد در خانه شادی بودیم تلفن شادی مدام زنگ می‌خورد و خشایار از پشت گوشی به او فحش می‌داد. به شادی گفتم گوشی را بده تا من صحبت کنم. خشایار به من فحش داد و گفت می‌آیم و خانه را روی سر شما خراب می‌کنم. مرتب تهدید می‌کرد. شادی گفت دفعه قبل که آمده بود، همه وسایل من را تخریب کرد و باعث شد صاحبخانه از من بخواهد خانه را تخلیه کنم. وسایلم را هم برداشت و برد و گفت بهتر است ما به خانه او برویم. سه‌نفری با هم رفتیم. من پیاده‌شدم و در زدم اما کسی خانه نبود چون مشروب خورده بودم و در حال عادی نبودم چوبی را که دستم بود پرت کردم که به شیشه ماشین برخورد کرد. من اصلاً متوجه نشدم ماشین آنجاست و حتی نمی‌دانستم برای کیست. بعد هم سوار ماشین شدیم و برگشتیم. می‌خواستم به خانه خودم بروم که شادی گفت صبر کن من هم وسایلم را بردارم و بیایم. گفت می‌خواهد به خانه احمد برود. ما در خانه بودیم که خشایار با لگد در را باز کرد و وارد شد. شادی را زیر مشت‌ولگد گرفت و کتکش زد. من به کمک شادی رفتم با قفل فرمانی که داشت من را هم زد. احمد قفل فرمان را از او گرفت و من هم کمر بندش را که دست دیگرش بود از او گرفتم. در همین حین خشایار و شادی به زمین افتادند. خشایار سرش به میز عسلی برخورد کرد. شادی گفت دست‌وپایش را ببندیم که نتواند من را بزند. احمد و شادی دست‌وپای او را بستند و کشان‌کشان به اتاق بردیمش. شادی سعی کرد سر خشایار را بگیرد که صدا نکند تا احمد به 110 زنگ بزند اما خشایار دست شادی را گاز گرفت و او هم از من کمک خواست. روی کمر خشایار نشستم و سرش را رو به پایین گرفتم و در بالش فشار دادم تا داد و فریاد نکند. چند دقیقه بعد دوباره شادی خشایار را گرفت و من بلند شدم و مشغول صحبت با تلفن بودم که شادی فریاد زد آب بیاور. او گریه می‌کرد و من فهمیدم خشایار بدحال شده است. شادی با اورژانس تماس گرفت. وقتی امدادگران آمدند گفتند خشایار مرده است. من اصلاً قصد کشتن او را نداشتم.

در ادامه احمد، متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد. او همه اتهامات را رد کرد و گفت: من و شادی در دویی با هم آشنا شدیم. من

ماشین کرایه می‌دادم و شادی چندین سال با من کار می‌کرد. بعد هم که به ایران آمدم با هم ارتباط کمی داشتیم. می‌دانستم صیغه خشایار شده است و او را چندین بار دیده بودم. روز حادثه می‌خواستم به اروپا بروم. ساعاتی قبل از پرواز شادی به من گفت وسایلی لازم دارد. به خانه او رفته بودم که فهرست درخواستش را بگیرم که این اتفاق افتاد. من اصلاً در درگیری نقشی نداشتم و حتی دست هم به خشایار نزدم هرچه علیه من اعتراف کرده‌اند دروغ است، می‌خواهند انتقام‌گیری کنند. در ادامه شادی در جایگاه حاضر شد. او گفت: وقتی از دومی به ایران برگشتم، با خشایار آشنا و صیغه او شدم. خشایار را دوست داشتم اما خیلی من را اذیت می‌کرد. کتکم می‌زد و نمی‌توانستم در برابرش مقاومت کنم. هنوز از مدت صیغه ما مانده بود که تصمیم گرفتم آن را به هم بزنم. صیغه‌نامه را پاره کردم. با اینکه خشایار اول راضی شده بود اما بعد پشیمان شد و سعی می‌کرد من را برگرداند. این زن دوباره ارتباطش با سعید هم گفت: سعید خواستگار دختر بزرگم بود اما نشد باهم ازدواج کنند و دخترم با مرد دیگری ازدواج کرد اما همچنان سعید به خانه من می‌آمد. روز حادثه هم در خانه من بود که خشایار زنگ زد و فحاشی کرد. این زن گفته‌های متهم ردیف اول را تایید کرد و گفت: ما نمی‌خواستیم خشایار کشته شود. من او را دوست داشتم. فقط برای اینکه جلوی کتک‌زدنش را بگیریم دست‌وپای او را بستیم. خیلی شرایط بدی بود. عصبی که می‌شد همه‌چیز را می‌شکست و خرد می‌کرد. می‌گفت باید با من ازدواج کنی اما من نمی‌خواستم این کار را بکنم چون خیلی بدرفتار بود و وقتی شیشه مصرف می‌کرد وضعیت بدتر می‌شد. اگر من می‌خواستم او بمیرد، با اورژانس تماس نمی‌گرفتم و خودم جزییات را توضیح نمی‌دادم. من خودم همه‌چیز را گفتم البته خشایار آدم منطقی‌ای بود. وقتی عصبانیتش تمام می‌شد، رفتارهایش درست می‌شد. متهم در پاسخ به این سوال که چرا روز حادثه به خانه خشایار رفت، گفت: خشایار دوهفته قبل از این حادثه تعداد زیادی از عکس‌های خصوصی من و خانواده‌ام را از لپ‌تاپم برداشته بود. به من می‌گفت اگر دوباره با من ازدواج نکنی، عکس‌ها را همه‌جا پخش و بدبخت می‌کنم، آبرویت را همه‌جا می‌برم. من هم برای گرفتن عکس‌ها رفته بودم. می‌دانستم اگر با او صحبت کنم، چون من را دوست دارد، آرام می‌شود.

بنا بر این گزارش بعد از پایان دفاعیات متهمان و وکلای آنها، هیات قضات شعبه 113 برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

منبع: <http://goo.gl/tG5NKo>